

## سادات کیا و تشیع امامیه\*

دکتر طاهره عظیم زاده

دانشگاه آزاد اسلامی - واحد مشهد

E-mail : ta\_azim@yahoo.com

### چکیده

سادات کیا بین سده های هشتم تا دهم ه. / چهاردهم تا شانزدهم م. قسمت وسیعی از گیلان، به ویژه گیلان بیه پیش<sup>۱</sup> با مرکزیت لاهیجان را در دست داشتند. این خاندان ابتدا زیدی مذهب بودند و به هنگام قدرت یابی صفویه به تشیع اثنی اعشری گرویدند. این مقاله تاریخ و عقاید این خاندان و ارتباط آنها را با تشیع امامیه بررسی می کند.

**کلید واژه ها:** سادات کیا، زیدیه، تغییر کیش، امامیه، خان احمد اول، خان

احمد دوم، صفویان.

---

\* تاریخ وصول: ۱۳۸۳/۷/۱۳؛ تاریخ تصویب نهایی: ۱۳۸۳/۹/۲۵

۱. در گذشته سفید رود گیلان را به دو بخش بیه پس و بیه پیش تقسیم می کردند. بیه به زبان گیلکی به معنی رود آمده است. مرکز ساحل راست یا شرقی (بیه پیش) لاهیجان و مرکز ساحل چپ یا غربی (بیه پس) شهر فومن و از زمان صفویه به بعد شهر رشت بوده است. (ر.ک. کشاورز، ص ۶۷ و ۷۸).

سادات کیا از نسل امام علی بن الحسین زین العابدین (ع) بودند که نیاکان آنها چند بار، دست به مهاجرت زدند تا این که در گیلان ساکن شدند. عیسی کوفی فرزند حسین الاصغر پسر امام زین العابدین (ع) که در کوفه ساکن بود در پی خیزش عباسیان از ترس آنها از کوفه به ابهر<sup>۲</sup> آمد (ابن عنبه، ص ۲۹۰). فرزندان او چندی در ابهرزیستند تا این که ابوزید پسر ابومحمد حسن مشهور به عقیقی<sup>۳</sup> از ابهر به قریه فشتام<sup>۴</sup> کوهدم در گیلان رفت، سپس سید علی از نیبرگان او از فشتام به قریه ملاط<sup>۵</sup> گیلان کوچ کرد. (غفاری، ص ۸۴).

نخستین فرد این خاندان که برای به دست آوردن قدرت قیام کرد، سید امیر کیای ملاطی نوه سید علی بود.<sup>۶</sup> وی بر ضد حاکمان بیه پیش (لاهیجان) یعنی امرای ناصروند، سر به شورش برداشت اما موفق نشد و به کلاردشت رستمدار<sup>۷</sup> گریخت و حدود یک سال آنجا ماند تا در سال ۱۳۶۳ق/ ۱۳۶۰ م درگذشت. (مرعشی، تاریخ گیلان،

۲. ابهر از شهرهای استان زنجان کنونی، و از نواحی کوهستانی می باشد که سادات به آن جا پناه می بردند.

۳. ابن طباطبا در کتاب *مهاجران آل ابوطالب* (ص ۲۵۴) آورده است: از افراد وارد به رویان از اولاد علی بن حسین اصغر، ابوالقاسم حسن بن احمد عقیقی فرزند عیسی بن علی بن حسین اصغر می باشد.

۴. فشتام یا فشمم دهی است در شش کیلومتری جنوب رشت و جزو سنگر کوهدمات رشت می باشد. (ر.ک؛ رابینو، *فرمانروایان گیلان*، ص ۴۷).

۵. ملاط در چهار کیلومتری جنوب لنگرود است و زیارتگاهی با بنای قدیمی به نام دوازده تن دارد. این زیارتگاه امروز مورد احترام اهالی است و مقبره خانوادگی سادات امیر کیایی می باشد (*همانجا*).

۶. اجداد امیر کیای ملاطی تا امام زین العابدین (ع) عبارتند از امیر کیا پسر حسن کیا پسر سیدعلی پسر سیداحمد پسر سید علی غزنوی پسر محمد پسر ابوزید پسر ابومحمد حسین پسر عیسی کوفی پسر حسین اصغر پسر امام علی بن الحسین زین العابدین (شوشتری، ۳۷/۲).

۷. در قسمت غربی طبرستان، رویان قرار دارد. نام رویان به تدریج از اواسط قرن ۷ق/ ۱۳م جای خود را به واژه جدید رستمدار داد. (*زریاب*، ص ۱۶۱). امروز دوباره کلمه رویان رایج شده است.

ص ۱۵).

سید علی کیا (حکومت ۷۶۹-۷۹۱ ق/ ۱۳۶۷-۱۳۸۹ م) پس از درگذشت پدر همراه با برادران به مازندران نزد سید قوام الدین مرعشی که او نیز از نسل امام زین العابدین (ع) بود رفت و در آمل ساکن شد. پس از چندی از حاکم تنکابن سید رکابزن کیای حسنی<sup>۸</sup> خواست به تنکابن منتقل شود. علت این درخواست به نوشته مرعشی نزدیکی به رانکوه وطن پیشین ایشان بود. (مرعشی، **تاریخ طبرستان**، ص ۳۸۱). البته گرایش مذهبی یعنی زیدی بودن نیز نقش داشته است. سید رکابزن پذیرفت و او و پیروانش را در منطقه گرمود سخت سر<sup>۹</sup> اسکان داد.

با آمدن سید علی کیا به منطقه سخت سر، بین او و خاندان ناصرونند که در رانکوه<sup>۱۰</sup> ساکن و با پدر سید علی کیا جنگیده بودند، درگیری پیش آمد. چون سید رکابزن، قدرت رویارویی با امرای ناصرونند را نداشت با آنها صلح کرد، در نتیجه سید علی ناچار به بازگشت به مازندران گردید (مرعشی، **گیلان**، ص ۱۹-۲۱). در مازندران، سید علی با پشتیبانی قوام الدین مرعشی به تنکابن حمله کرد. جنگ میان سید علی و فرزند رکابزن درگرفت و سید علی پیروز شد و بر تنکابن مسلط گردید. به این ترتیب حکومت سادات کیا در سال ۷۶۹ ق/ ۱۳۶۷ م آغاز گردید.

سیدعلی، تنکابن را به برادرش سید هادی کیا سپرد و به جنگ با همسایگان

---

۸. سید رکابزن کیا (حکومت ۷۲۳-۷۶۹ ق/ ۱۳۲۳-۱۳۶۷ م) از سادات حسنی و از اخلاف سید کیا ابوالحسین المؤمن بالله پیشوای زیدیان بود که حکومت تنکابن و گرجیان و سخت سر را به عهده داشت. (ر.ک. مهدوی سعیدی، ص ۶۳۳).

۹. گرمود سخت سر در رامسر کنونی است که در سال ۷۶۳ ق/ ۱۳۶۰ م مرکز حاکم تنکابن بود (مرعشی، **تاریخ گیلان**، ص ۴۸۷). بیشتر ساکنان سخت سر سید اند. ر.ک.

Rabino, *Mazandaran and Astarabad*, p 19

۱۰. رانکوه شرقی ترین ناحیه گیلان در ساحل خزر است که از شمال به دریای خزر و از شرق به تنکابن و از جنوب به رودبار حسینعلی خانی و از مغرب به لاهیجان و دیلمان محدود می شود. (رابینو، **ولایات دارالمرزایران گیلان**، ص ۳۹۰).

پرداخت. وی توانست مناطق لشت نشا، کوهدم، قلعه شمیران، طارم، دیلمستان و قزوین را تصرف کند.<sup>۱۱</sup> سید علی کیا سرانجام در جنگی که با امرای بخش غربی گیلان<sup>۱۲</sup> داشت در سال ۷۹۱ق/۱۳۸۸م به همراه برادر و دو پسر و بسیاری از سادات در رشت کشته شد. (مرعشی، گیلان، ص ۵-۸۴)<sup>۱۳</sup>.

پس از سید علی کیا، برادرش سید هادی بر رانکوه و لاهیجان مسلط شد، ولی فرزندان سیدعلی کیا با او مخالفت کردند و جنگهای خانوادگی در خاندان کیا شروع شد. سید هادی ناچار به فرار گردید. پس از این بین فرزندان سید علی کیا نیز اختلاف رخ داد، تا این که پس از سالها کشمکش و کشتار سرانجام سید رضی کیا (۷۹۸-۸۲۹ ق/ ۱۳۹۵-۱۴۲۵م) فرزند سید علی کیا، بر لاهیجان و سیدمحمد کیا، فرزند سید مهدی کیا بر رانکوه مسلط شدند. (همو، ص ۹۹).

سید رضی کیا پس از سی سال حکومت درگذشت و چهار سال بعد از او سید محمد به دست فرزندان خود از حکومت خلع و به الموت تبعید گردید تا در سال ۸۳۷ ق/ ۱۴۳۴ درگذشت (شوشتری، ۲/۳۷۷).

از سال ۸۳۳ تا ۸۸۳ ق / ۱۴۲۹ تا ۱۴۷۸م دوره فرمانروایی ناصرکیا و سلطان محمد است که ابتدا باجگزار تیموریان سپس ترکمانان بودند. ناحیه طالقان نیز توسط جهانشاه میرزا قره قوینلو به ناصر کیا واگذار گردید. ناصر کیا در ۸۵۱ ق/۱۴۴۷م و سلطان محمد جانشین او در سال ۸۸۳ ق/۱۴۷۸م درگذشتند و پسر سلطان محمد، میرزا علی که حدود بیست و دو سال در زمان زنده بودن پدر، عملاً فرمانروای لاهیجان بود، حاکم گردید (همو، همانجا؛ میرابوالقاسمی، ص ۱۰۱).

۱۱. برای آگاهی از چگونگی تصرف این شهرها، (ر.ک همان، صص ۶۹-۴۵).

۱۲. در این هنگام حکومت گیلان بیه پس با مرکز فومن در دست خاندان اسحاقی بود که از خاندان کهن ایرانی بودند و نسبت خود را به اشکانیان می رساندند. (رایینو، دارالمرز، ص ۴۶۶).

۱۳. شوشتری در *مجالس المؤمنین* (ج ۲، ص ۳۷۱) مرگ سید را به غلط سال ۷۹۹ نوشته است.

میرزا علی کیا (حکومت ۸۸۳-۹۱۰ ق / ۱۴۷۸-۱۵۰۴م) از امرای مقتدر کیایی بود<sup>۱۴</sup>. وی توانست قلعه طارم، قزوین، تهران، ری، ورامین و فیروزکوه را بگیرد و قلمرو خود را تا ساوه و سلطانیه گسترش دهد و بر بخشهایی از مازندران و مناطق غربی گیلان، حاکم شود.<sup>۱۵</sup> (غفاری، ص ۸۵). در زمان او اسماعیل صفوی به گیلان پناه برد (سال ۹۰۱ ق ۱۴۹۵ م) و ابتدا در غرب گیلان (عالم آرای عباسی، منشی، ص ۴۰؛ سرور، ۴۱)، سپس در قلمرو میرزا علی ساکن شد (خواندمیر، ۴۴۱/۴). به نظر می رسد پناه گرفتن اسماعیل صفوی در گیلان به علل مختلفی بود از جمله موقعیت جغرافیایی آن منطقه که بین جد صفویان، صفی الدین اردبیلی و شیخ زاهد گیلانی وجود داشت و وجود پیروان شیخ صفی الدین در گیلان و از همه مهمتر موقعیت میرزا علی که در آن زمان امیر قدرتمندی بود (منشی، ۳/۱-۴۲).

میرزا علی در سال ۹۱۰ ق / ۱۵۰۴م به دست برادرش سلطان حسن به علت آن که می خواست برادر دیگرش هاشم را جانشین خود سازد دستگیر و به سمام<sup>۱۶</sup> تبعید گردید. سلطان حسن برای آن که نظر شاه اسماعیل را جلب کند فرزندش خان احمد را به اردوگاه سلطنتی او فرستاد (واله اصفهانی، ص ۱۵۶). در این هنگام جمعی از مردم گیلان با میزرا علی پنهانی اتفاق کردند و سلطان حسن را به قتل رساندند. از آن طرف امرای سلطان حسن نیز، میرزا علی را کشتند. احمد پسر سلطان حسن که در اردوی شاه اسماعیل بود به کمک شاه اسماعیل به رانکوه آمد و به نام خان احمد اول قدرت را در دست گرفت (همو، همانجا).

۱۴. مرعشی دو کتاب *تاریخ طبرستان و رویان و مازندران* و کتاب *تاریخ گیلان و دیلمستان* را برای میرزا علی کیا نوشت.

۱۵. برای آگاهی از چگونگی تصرف شهرها، (ر.ک. لاهیجی، صص ۱۶۶-۱۲).

۱۶. سمام از دهستانهای رودسر می باشد. (ر.ک. کشاورز، گیلان، ص ۸۸).

خان احمد (حکومت ۹۱۱-۹۴۰ ق / ۱۵۰۵-۱۵۳۳ م) با شاه اسماعیل و شاه طهماسب صفوی روابط دوستانه ای داشت و بارها به دیدار آنها رفت، بسیاری از منابع نوشته اند که او به آیین امامیه گروید که به آن خواهیم پرداخت.

سلطان احمد اول پس از سی سال و دو ماه<sup>۱۷</sup> سلطنت درگذشت (۹۴۰ ق / ۱۵۳۳ م) و کار کیا سیدعلی جانشین او شد، ولی حکومت او و جانشینش کارکیا حسن کوتاه بود و کارکیا حسن بر برادر خود کارکیا سید علی شورید و با حاکم گیلان بیه پس درگیر شد و او را از مقر حکومت خود بیرون راند، ولی دوران سلطنت او کوتاه بود و در سال ۱۵۳۶/۹۴۳ درگذشت (شوشتری، ۳۷۹/۲؛ رایینو، *دائرالمبرز*، ص ۴۹۸).

از سلطان حسن پسر یکساله او معروف به خان احمد دوم باقی ماند که به حکومت گیلان بیه پیش رسید. ابتدا روابط شاه طهماسب با او دوستانه بود، حتی بخش غربی گیلان (بیه پس) را هم به قلمرو او افزود (فومنی، ص ۲۸)<sup>۱۸</sup>، اما پس از این که خان احمد دوم به سن رشد رسید، اختلاف بین او و شاه طهماسب آشکار گردید. علل اختلاف بین خان احمد و شاه طهماسب مورد نظر ما نیست، آنچه مسلم است شاه طهماسب او را دستگیر کرد (۹۷۵ ق / ۱۵۶۷ م) و در قلعه قهقهه سپس در قلعه اصطخر (۹۸۱ ق / ۱۵۷۲ م) زندانی نمود تا این که در سال (۹۸۵ ق / ۱۵۷۷ م) آزاد و به حکومت گیلان منصوب شد.

در مورد اینکه چه کسی خان احمد را آزاد کرد، اختلاف وجود دارد، برخی شاه اسماعیل دوم (مقتول ۹۸۵ ق / ۱۵۷۷ م) را که با او در زندان قهقهه به سر می برد عامل

۱۷. شوشتری به غلط بیست سال و دو ماه نوشته است. ر.ک. *مجالس المؤمنین*، ج ۲، ص ۳۷۸.

۱۸. فومنی کشتار و دسیسه چینی هایی را در سالهای ۹۴۵ و ۹۵۰ به خان احمد نسبت داده است که در این زمان با توجه به تاریخ تولد خان احمد (سال ۹۴۲) و کودک بودن او نادرست می باشد. (ص ۳۱-۲۸).

آزادی او دانسته اند (نامه های خان احمد گیلانی، ص ۶-۱۳۵، مقدمه نوایی)، ولی به نظر می رسد که اسماعیل دوم در دوره کوتاه حکومت خویش نتوانست به این کار پردازد و زمانی که محمد خدابنده به سلطنت نشست، به خواهش همسرش مهدعلیا او را از زندان آزاد کرد. (فومنی، ۶۵؛ سجادی، ۱۵۶).

سلطان احمد دوم تا زمان شاه عباس حکومت گیلان را در دست داشت. در این زمان اختلاف او با شاه بالا گرفت و در پی سپاهی که برای دستگیری او به گیلان آمد به عثمانی گریخت و سرانجام در سال ۱۰۰۹ ق / ۱۶۰۰ م در آنجا از دنیا رفت. بخش شرقی گیلان با بیرون رفتن خان احمد ضمیمه حکومت شاه عباس گردید. (کسروی، ص ۹۰)

### مذهب سادات کیایی

در سده چهارم ه. / دهم م. بیشتر مردم گیلان اهل سنت بودند (مقدسی، ص ۲۸۲)؛ اما در قرن ششم ه. / دوازدهم م. ، اکثریت آنان، مذهب زیدی بوده اند. عبدالجلیل قزوینی رازی در این قرن نوشته است که در زمان او «اهالی جبال گیلان و بلاد دیلمیان زیدی مذهب» هستند (قزوینی رازی، ص ۴۲۰ و ۴۵۸). ظاهراً ابتدا ساکنان رانکوه و اشکور گیلان در قرن سوم ه. / نهم م. به وسیله داعی ناصر کبیر به اسلام و آیین زیدی گرویدند و تا سال ۵۹۰ ق / ۱۱۹۴ م هنگامی که این ناحیه از مغرب اشکور تا ملاط به وسیله ملک هزار اسب بن شهر نوش تسلیم فدائیان اسماعیلی گردید، مذهب زیدی همچنان رواج داشت (ستوده، ۳/۲-۲۳۲).<sup>۱۹</sup> سپس آیین اسماعیلی نیز در این منطقه راه یافت.

در سده هفتم ه. / سیزدهم م. ، بیشتر ساکنان ناحیه کوهستانی جنوب لاهیجان و رانکوه اسماعیلی مذهب بودند. مردم ناحیه جلگه ای بیه پیش و ساکنان بیه پس سنی

۱۹. رابینو در *دائر المرز گیلان* (ص ۴۰۴) به غلط ملک هزار اسب بن شاهرخ رستمدرار نوشته است.

حنبل‌ی بودند به استثنای رؤسای فومن و مردم کوچصفهان که مذهب شافعی داشتند. (رابینو، *دارالمرز*، ص ۲۶). اصیل الدین محمد زوزنی (د. ۶۵۰ ق/ ۱۲۵۲ م) مردم سرزمین لاهیجان را ناصری مذهب<sup>۲۰</sup> و اهالی غربی گیلان را حنبلی دانسته است (به نقل از قربانی، ص ۱۳۴). مسلم است که مردم گیلان بیه پیش تا زمان به قدرت رسیدن آل کیا (۷۶۹ ق/ ۱۳۷۶ م) زیدی مذهب بودند. بر خلاف برخی از نوشته های معاصر، حاکمان سادات کیا، شیعه اثنی عشری (آژند، *قیام مرعشان*، ص ۱۱۳؛ همو، *قیام شیعی سریداران*، ص ۲۲۴) و یا شیعه جعفری (یوسف نیا، ص ۲۱۰) نبوده اند، بلکه آنان نیز آیین زیدی داشتند. دلایل بسیاری وجود دارد که سادات کیا زیدی بودند، از جمله می توان به پیام سید علی کیا به سید رکابزن حاکم زیدی تنکابن استناد کرد. وی در این پیام از سید رکابزن خواست به آنها اجازه دهد تا در نواحی تحت تصرف او ساکن شوند و اشاره کرد، علاوه بر سیادت از نظر مذهبی «موافقت مذهب هم دخیلی تمام دارد». وی همچنین اختلاف بین پیروان خود با مردم مازندران را که امامی مذهب بودند، مطرح می کند و می گوید: «تائبان ما را نسبت به ایشان حالی دیگر است اگر در ولایت شما، تائبان ما را جا تعیین فرمائید تا به اتفاق بدانجا نقل روند منت خواهد بود» (مرعشی، *تاریخ گیلان*، ص ۱۸).

سیدعلی کیا دعوی امامت نیز داشته است و از کرامتهای خود یاد می کند. (همان، ص ۳۶)، در حالی که در آیین اثنی عشری کسی حق ندارد دعوی امامت کند و نیابت امام مطرح است. موارد دیگری هم زیدی بودن آل کیا را تایید می کند. مرعشی نوشته است که مردم رانکوه و لاهیجان تنها زمانی سید علی را پذیرفته اند که علمای زیدیه فتوا دادند و اطاعت از او را فریضه و واجب شمردند. (همو، همان، ص ۳۸) و گفتند که خصلتهای پنج گانه (همان، ص ۴۱) امام: علم، زهد، شجاعت و سخاوت و قدرت در او گرد آمده است. همچنین اجازه دادند که مردم وجوهات مذهبی خود را

۲۰. منظور پیروان ناصرالحق هستند.



به او بدهند.

مردم لشت نشا هم سید علی را به این جهت به شهر خود فر خواندند که حاکم آنجا، امیر مسعودنوپاشا ظالم بود و آیین سنت و جماعت داشت در حالی که «ما مردم شیعه زیدیه ایم» (همان، ص ۴۵). جانشینان سید علی نیز بر اساس آیین زیدی قدرت را در دست گرفتند (همان، ص ۱۱۱). قاضی نورالله شوشتری که با تسامح بسیار درباره تشیع افراد سخن می گوید، معتقد است که خاندان کیا و مردم گیلان به مذهب زیدیه جارودیه که مذهب قدیم اهل گیلان بود، معتقد بودند (ج ۱/ص ۹۶؛ ج ۲/ص ۳۷۸).

اکنون این سؤال مطرح می شود که چه زمانی سادات کیا به تشیع گرویدند؟ منابع متأخر پیرامون نخستین فرد از خاندان کیا که به امامیه گرویده اختلاف دارند. برخی خان احمد اول (متوفی ۹۴۰ق/۱۵۳۳م) (رابینو، *دارالمرز*، ص ۴۹۸؛ همو، *فرمانروایان*، ص ۱۳۴؛ سجادی، ص ۱۵۳؛ امیرابوالقاسمی، ص ۱۰۱) و گروهی خان احمد دوم (متوفی ۱۰۰۹ق/۱۶۰۰م) (*شاه طهماسب صفوی*، ص ۱۰۳؛ ستوده، ۷۸/۲) را نام می برند.

در میان منابع متقدم، لاهیجی مؤلف *تاریخ خانی*<sup>۲۱</sup>، در کتابش اشاره ای به تغییر مذهب خان احمد اول ندارد، ولی مطلبی آورده است که احتمال داده می شود، خان احمد تا سال ۹۱۴ق/۱۵۰۸م هنوز به آیین زیدی گرایش داشته است، وی می نویسد که سلطان احمد کیا در سال ۹۱۴ به زیارت بقعه ابوالحسین مؤید از رهبران بزرگ زیدیه رفت و امنیت زیارت مزار او را برقرار کرد و «انواع خیرات و صدقات بدان بقعه مبارکه را واجب شمرد». (ص ۳۳۹).

خواند میر (متوفی ۹۴۲ق/۱۵۳۵م) هم سخنی از تغییر کیش خان احمد ندارد.

۲۱. لاهیجی کتاب خود را به درخواست خان احمد بین سالهای ۹۲۱ و ۹۲۲ق/۱۵۱۵ و ۱۵۱۶م نوشت. مطالب این کتاب دنباله تاریخ گیلان و دیلمستان مرعشی است و شامل حوادث گیلان میان سالهای ۸۸۰ تا ۹۲۰/۱۴۷۵ تا ۱۵۱۴ می باشد.

وی شفاعت خان احمد اول را نزد شاه اسماعیل برای امیر دباح حاکم سنی قسمت غربی گیلان یادآور شده (۵۶۴/۴) و از دیدارهای خان احمد اول با شاه اسماعیل صفوی یاد کرده (۵۶۸)، ولی از تغییر مذهب او چیزی نوشته است.

به نظر می‌رسد نخستین نویسنده‌ای که به تغییر کیش خانواده احمد اول پرداخته، قاضی نورالله شوشتری (مقتول ۱۰۱۹ق/۱۶۱۰م) می‌باشد (۳۷۸/۲). او تاریخ آن را تعیین نکرده فقط در جلد دیگر کتابش (۹۶/۱) اشاره کرده است که مردم گیلان تا زمان ظهور پادشاه «صاحبقران مغفور» زیدی بودند. لفظ صاحبقران مبهم است. این کلمه بیشتر برای تیمور به کار برده می‌شود، ولی پس از او در زمان صفویه، برای شاه اسماعیل (عالم آرای صفوی، ۹۷) و شاه طهماسب<sup>۲۲</sup> هر دو به کار رفته است؛ از این رو نمی‌توان معلوم کرد که کدام یک از آن دو مورد، نظر شوشتری است. این احتمال وجود دارد که خان احمد اول هنگامی که در دربار شاه اسماعیل به سر می‌برده (سال ۹۱۰ق/۱۵۰۸م) و تحت تربیت او قرار داشته است (واله، ص ۱۵۶)<sup>۲۳</sup>، برای این که نظر شاه اسماعیل را جلب کند به امامیه گرویده باشد، ولی پس از به دست گرفتن حکومت تا زمان مناسب مذهب خود را آشکار نکرده است. از سکوت نویسنده‌های تاریخ خانی و کتاب حبیب السیر و این که در سال ۹۱۴ق/۱۰۵۸م خان احمد به زیارت رهبر زیدیه، ابوالحسین مؤید رفته و دستور تعمیر قبر او را داده است معلوم می‌شود که هنوز تشیع امامیه او آشکار نبوده است. از سوی دیگر، وقفنامه‌ای از سال ۹۱۴ق/۱۵۰۸م وجود دارد که به سلطان احمد خان اول منسوب می‌باشد. بر اساس این وقفنامه،

۲۲. عبدی بیک درباره شاه طهماسب در دوحه الازهار (ص ۱۵۰) سروده است:

چو کردی در جهان صاحب قرانش  
بفرما نصرت صاحب زمانش  
به عهده این برآور رایت آن  
بده در دولت این، دولت آن

۲۳. در این کتاب مطالب مربوط به خان احمد اول با خان احمد دوم خلط گردیده است (به عنوان نمونه ر.ک. ص ۴-۳۵۲).

دهکده سوهان در سال ۹۱۴ برای علاءالدین فرزند امیر نجم الدین محمود طالقانی و فرزندان پسر او وقف گردیده است. در این وقفنامه اسامی ائمه دوازده گانه ذکر شده است (میرابوالقاسمی، *وقفنامه سوهان*، ج ۱ و ۱۲/ص ۱۶۱) و آنان راهنمایان اهل تحقیق و پیشوایان ارباب توفیق ذکر شده اند (همان، ۱۶۴). همچنین در آن به رواج مذهب اهل حق اثنی عشری اشاره شده است (همان، ص ۱۶۲). چون تاریخ این وقفنامه ربیع الاول سال اربع عشر و تسعمائه من الهجرة النبویه با حروف ذکر شده است<sup>۲۴</sup>، احتمال اشتباه ناسخ وجود ندارد و این فرض را که تاریخ تغییر مذهب احمدخان اول در همان اوایل حکومت شاه اسماعیل صفوی بوده است، تقویت می کند.

برخی زمان تغییر کیش خان احمداول را عصر شاه طهماسب نوشته اند، از جمله رابینو (متوفی ۱۳۷۱ق/۱۹۵۱م) که در سالهای ۱۳۲۳-۱۳۳۱ق/۱۹۰۶-۱۹۱۲م کنسولیاری انگلیس در رشت بود و پژوهشهای متعددی درباره گیلان دارد. وی سال ۹۳۳ق/۱۵۲۶م زمان سلطنت شاه طهماسب را تاریخ تغییر کیش خان احمد ذکر کرده و نوشته است که خان احمد به قزوین رفت و مورد محبت و پذیرایی شاه طهماسب قرار گرفت (رابینو، *دارالمرز*، ص ۴۹۸؛ همو، *فرمانروایان*، ص ۱۳۴) و از مذهب زیدی چشم پوشید. منبع رابینو مشخص نیست. قاضی احمد غفاری (د. ۹۵۷ق/۱۵۶۷م) در کتاب *تاریخ جهان آرا* (ص ۶۸) و عبدی بیک شیرازی (د. ۹۸۸ق/۱۵۸۰م) در *تکملة الاخبار* (۱۳۶) از سفرخان احمد به گیلان در این تاریخ یاد کرده اند، ولی به تغییر کیش او اشاره ای ندارند.

از پژوهشگران معاصر، دکتر ستوده که در زمینه تاریخ شمال ایران پژوهش گسترده ای انجام داده، نوشته است که کارکیا، سلطان احمدخان والی بیه پیش چون شیعه اثنی عشری شد رعایای خود را نیز کم کم وادار کرد تا به این مذهب بگروند. ماده تاریخ این تغییر کیش «ترک طریقت زید» مطابق با سال ۹۶۰ق/۱۵۵۲م می

۲۴. برای متن این وقفنامه، همچنین ر.ک. میرابوالقاسمی، *تاریخ* و ...، ص ۳۲-۲۵.

باشد (ستوده، ۷۸/۲). همان گونه که مشخص است سال ۹۶۰ زمان حکومت خان احمد دوم است نه خان احمد اول. دکتر نوایی در مقدمه کتاب *شاه طهماسب صفوی* (ص ۱۰۳) نیز به گفته قاضی احمد غفاری اشاره کرده که خان احمد دوم در مذهب تشیع شوری فراوان داشت و این سروده خان احمد را که نقش نگین او بود آورده است:

«تا شد سعادت ابدی راهبر مرا / شد رهنمون به مذهب اثنی عشرمرا»  
(همچنین، رک. *نامه های خان احمد گیلانی*، ص ۹).

غفاری (ص ۷۸) جز این شعر، اشاره ای به تغییر کیش خان احمد ندارد، فقط می گوید که خان احمد در رواج مذهب حق نهایت کوشش خود را انجام داد وی در زمان حیات خان احمد دوم در سال ۹۷۲ ق/ ۱۵۶۴ م کتاب *تاریخ جهان آرا* را نوشت (همان، ص ۸-۸۷) یعنی زمانی که هنوز خان احمد دوم مورد خشم شاه طهماسب قرار نگرفته و دستگیر نشده بود.

این تناقض در منابع یعنی شعر انگشتی خان احمد و «ترک طریق زید» که به حساب ابعاد ۹۶۰ می شود سبب تردید در مطالب گذشته و تغییر کیش خان احمد اول می گردد. به نظر می رسد که پاسخ این تناقض این است که ابتدا خان احمد اول به تشیع گروید، اما همه خاندان او به این آیین نگریدند. در زمان خان احمد دوم بار دیگر تغییر کیش صورت گرفت که با تغییر کیش مردم گیلان همراه بوده است.

لازم به یادآوری است که حکومت آل کیا پیش از خان احمد اول نیز غیر مستقیم زمینه پذیرش تشیع را در شمال ایران فراهم کردند به این صورت که با جنگهای گسترده خود با بازماندگان اسماعیلیه در الموت و رودبار منطقه را از وجود اسماعیلیان خالی ساختند. (مرعشی، *گیلان*، ۶۹-۶۶، ۱۲۹، ۱۳۷، ۱۷۳، ۲۴۷؛ دفتری، ص ۵۱۴).

### علل تغییر کیش آل کیا

به چه علت آل کیا به امامیه گرویدند؟ عواملی که در این تغییر کیش نقش داشته است. علتی که ابتدا به نظر می رسد، عبارت است از ارتباط سادات کیا با حکومت صفویه. خان احمد اول با شاه اسماعیل و شاه طهماسب روابط دوستانه ای داشت. روابط خان احمد دوم نیز با شاه طهماسب تا پیش از سال ۹۷۵ق/۱۵۶۷م دوستانه بود اما نکته ای که نیاز به توجه بیشتر دارد این است که پیش از روی کار آمدن صفویه در بسیاری از شهرهای ایران تشیع امامیه رواج پیدا کرده و پیروانی یافته بود که عوامل این موضوع نیاز به پژوهشی جداگانه دارد، اما آنچه مسلم است این تغییر مذهب، تدریجی و در سراسر ایران مطرح بوده است.<sup>۲۵</sup>

برخی علت تغییر کیش آل کیا به اثنی عشریه را وجود حکومت عثمانی در همسایگی ایران دانسته اند. از آنجا که آیین زیدی به مذهب تسنن نزدیکتر بود. و نسبت به آن نرمش بیشتری از آیین اثنی عشری نشان داده است امکان داشت زیدیان در برابر خلافت عثمانی همچون خلافت عباسی نرمش می دادند و با آنها هم پیمان شوند لذا خاندان کیا که به این خطر پی بردند و حکومت خود را در خطر می دیدند از زمان احمد اول به مذهب دوازده امامی درآمدند که «هم رفض کاملتر از زیدیان داشت و هم امامی حاضر که مزاحم شاه و دولت وقت باشد در میانشان نبود». پس این خاندان کیا برای گسترش آیین دوازده امامی در شمال کوشش بسیار کردند (منزوی، ص ۴۲۲).

برای اثبات این فرضیه باید روابط آل کیا با عثمانی را مورد توجه قرار داد. تا

۲۵. از جمله ملک کیومرث بن بیستون (د. ۸۵۷ق/ ۱۴۵۳م) از پادشاهان پادوسبان که مدتی در زندان بود نذر کرد اگر بار دیگر به حکومت برسد در رواج مذهب اثنی عشری بکوشد. زمانی که او قدرت را دوباره در دست گرفت، مردم رستمدر را که تا آن زمان سنی مذهب بودند به مذهب حق درآورد و در آن دیار تشیع فاش شد. (گیلاتی، ص ۸۵).

آنجا که مشخص است احمد دوم که به سختگیری نسبت به زیدیان مشهور است و علمای زیدیه را ملعون و سگ لقب داده و لعنت بر مذهب و تقوای ایشان کرده است (شاه طهماسب صفوی، ص ۱۰۵) و جفاهای او نسبت به زیدیه موجب نامه نگاریها و شفاعت خواهی هایی از طرف علما گردیده است<sup>۲۶</sup>، با عثمانی روابط دوستانه داشته است. در تذکره شاه طهماسب این موضوع به دقت و صراحتی تمام بیان شده حتی در نامه ای که شاه طهماسب به خان احمد نوشته آشکارا وی را ملامت کرده است که چرا عده زیادی از همراهان سلطان بایزید را پناه داده است (شاه طهماسب صفوی، ص ۳۵۵). رابینو هم به این اشاره کرده که به هنگام جنگ میان ترکان عثمانی و ایران خان احمد خان آماده بود که لاهیجان را به ترکان بسپارد و از سلطان ترکان خواست که سپاهبانی از شیروان به لاهیجان که تا پایتخت ایران، قزوین چندان فاصله ای ندارد گسیل نماید. پس از پیمان صلح بین ایران و عثمانی، شاه عباس، خان احمد را به دربار فرا خواند، ولی او از شاه اطاعت نکرد و به دربار نیامد (رابینو، ص ۱۳۵). سرانجام هم در درگیری با شاه عباس به عثمانی پناه برد و در آنجا از دنیا رفت. با توجه به مطالب ذکر شده فرضیه موضعگیری در برابر عثمانی نمی تواند موجب تغییر کیش آل کیا به اثنی عشریه شده باشد.

از آنچه ذکر شد نتیجه می گیریم که آل کیا تا زمان خان احمد اول (د. ۹۴۰ ق/ ۱۵۳۳ م) مذهب زیدی داشتند و به این علت مورد پذیرش مردم گیلان بیه پیش (لاهیجان) قرار گرفتند. خان احمد که چندی در دربار شاه اسماعیل صفوی می زیست تحت تاثیر او به اثنی عشریه گروید، ولی پس از به دست گرفتن حکومت مدتی مذهب خود را آشکار نکرد، سپس خان احمد دوم با اظهار به تشیع اثنی عشریه کوشید تا مردم گیلان نیز به این آیین بگروند.

۲۶. برای اطلاع از سختگیری بر زیدیه، ر. ک. همان، ص ۱۰۵-۱۰۹؛ نامه های خان احمد گیلانی، ص ۹-۱۳۵.

## منابع

- آژند، یعقوب، *قیام شیعی سریداران*، تهران، گستره، ۱۳۶۳.
- \_\_\_\_\_، *قیام مرعشیان*، تهران، شکوفه، ۱۳۶۵.
- ابن طباطبای، ابراهیم بن ناصر، *مهاجران آل ابوطالب*، ترجمه محمدرضا عطایی، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۷۲.
- ابن عنبه، جمال‌الدین احمد، *عمدة الطالب فی انساب آل ابی طالب*، قم، انصاریان، ۱۴۱۷ق.
- خواندمیر، غیاث‌الدین بن همام‌الدین الحسینی، *تاریخ حبیب‌السیر*، زیر نظر محمد دبیر سیاقی، تهران، خیام، ۱۳۶۲، چاپ سوم، جلد چهارم.
- دفتری، فرهاد، *تاریخ و عقاید اسماعیلیه*، ترجمه فریدون بدره‌ای، تهران، فروزان، ۱۳۷۵.
- رابینو، هل، *فرمانروایان گیلان*، ترجمه م پ جکتاجی و رضا مدنی، رشت، گیلکان ۱۳۶۴.
- \_\_\_\_\_، *ولایت دارالمرز گیلان*، ترجمه جعفر خمami زاده، رشت، طاعتی، ۱۳۶۶.
- زریاب، عباس، «بادوسپانیان»، *دانشنامه جهان اسلام*.
- ستوده، منوچهر، *ز آستارا تا استرآباد*، مجلد دوم شامل آثار و بناهای تاریخی گیلان بیه پیش، تهران، انجمن آثار ملی، ۱۳۵۱.
- سجادی، صادق، «خان احمد گیلانی»، *گیلان نامه*، جلد دوم مجموعه مقالات گیلان شناسی در زمینه تاریخ، فرهنگ، هنر، زبان، ادبیات و مردم شناسی، رشت، طاعتی، ۱۳۶۹، صص ۲۶۹-۲۳۵.
- سرور، غلام، *تاریخ شاه اسماعیل صفوی*، ترجمه محمد باقر آرام و عباسقلی غفاری فرد، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۴.
- شاه طهماسب صفوی، مجموعه اسناد و مکاتبات تاریخی همراه با یادداشتهای تفصیلی*، به اهتمام عبدالحسین نوایی، تهران، بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۰.

- شوشتری، قاضی نورالله، *مجالس المؤمنین*، تهران، اسلامیه، ۱۳۷۵.
- عالم آرای صفوی*، به کوشش یدالله شکری، تهران، اطلاعات، ۱۳۶۲.
- غفاری قزوینی، قاضی احمد، *تاریخ جهان آرا*، تهران، حافظ، ۱۳۴۳.
- فومنی گیلانی، ملا عبدالفتاح، *تاریخ گیلان در وقایع سالهای ۹۲۳-۱۰۲۸ هجری قمری*، تصحیح و تحشیه منوچهر ستوده، تهران، بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۹.
- قربانی، محمد علی صدرالدین، *پیشینه تاریخی و فرهنگی لاهیجان و بزرگان آن*، با مقدمه قربانی لاهیجی، تهران، سایه، ۱۳۷۵.
- قزوینی، رازی، عبدالجلیل، *کتاب النقص معروف به بعض مثالب النواصب فی نقص بعض فضایع الروافض*، مقدمه و تعلیق جلال الدین حسینی ارموی، بی جا، بی نا، ۱۳۷۱.
- کسروی تبریزی، احمد، *تاریخ گیلان و دیلمان*، تهران، ۱۳۱۹.
- کشاوری، کریم، *گیلان*، تهران، شرکت سهامی کتابهای جیبی، ۱۳۵۶، چاپ دوم.
- گیلانی، ملا شیخعلی، *تاریخ مازندران*، تصحیح و تحشیه منوچهر ستوده، تهران، بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۲.
- لاهیجی، علی بن شمس الدین حاجی حسین، *تاریخ خانی شامل حوادث چهل ساله گیلان از ۸۸۰ تا ۹۲۰*، تصحیح منوچهر ستوده، تهران، بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۲.
- مرعشی، ظهیرالدین، *تاریخ طبرستان و رویان و مازندران*، به اهتمام برنهارد دارن، مقدمه یعقوب آژند، تهران، گستره، ۱۳۶۳.
- \_\_\_\_\_، *تاریخ گیلان و دیلمستان*، تصحیح و تحشیه منوچهر ستوده، تهران، اطلاعات، ۱۳۶۴.
- مقدسی معروف بالبشاری، *أحسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم*، مقدمه محمد مخزوم، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۸ ق / ۱۹۸۷ م.
- منزوی، علینقی، «خاندان کارکیا در گیلان»، *گیلان نامه*، جلد دوم مجموعه مقالات



- گیلان شناسی، رشت، طاعتی، ۱۳۶۹، صص ۷۶۰-۹۹۹.
- منشی، اسکندریک، *تاریخ عالم آرای عباسی*، تصحیح محمد اسماعیل رضوانی، تهران، دنیای کتاب، ۱۳۷۷.
- مهدوی سعیدی، محمد، *سادات متقدمه گیلان یا بخشی از تاریخ عام گیلان*، لاهیجان، بی نا، بی تا.
- میرابوالقاسمی، محمدتقی، *گیلان از آغاز تا انقلاب مشروطیت*، رشت، هدایت، ۱۳۶۹.
- \_\_\_\_\_، *تاریخ و جغرافیای طالقان و سازمان اداری حکومت‌های محلی شمال ایران*، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۴۸.
- \_\_\_\_\_، «وقفنامه سوهان»، *فرهنگ ایران زمین*، تهران، ۱۳۵۴، چاپ دوم، ج ۱۱ و ۱۲، صص ۲۵-۳۲.
- نامه های خان احمد گیلانی*، به کوشش فریدون نوزاد، تهران، بنیاد موقوفاتی دکتر محمود افشار، مؤسسه دلارنگ، ۱۳۷۳.
- نویدی، زین العابدین علی عبدی بیک شیرازی، *تکمله الاخبار تاریخ صفویه از آغاز تا ۹۷۸ هجری*، مقدمه و تصحیح و تعلیقات عبدالحسین نوائی، تهران، نی، ۱۳۶۹.
- \_\_\_\_\_، *دوحه الازهار*، فهارس و تعلیقات و تصحیح علی مینایی تبریزی و ابوالفضل رحیموف، مسکو، دانش، ۱۹۷۴.
- واله اصفهانی، محمدیوسف، *خلد برین، ایران در روزگار صفویان*، به کوشش میر هاشم محدث، تهران، بنیاد موقوفاتی دکتر محمود افشار، ۱۳۷۲.
- یوسفی نیا، علی اصغر، *تاریخ تنکابن*، تهران، قطره، ۱۳۷۰.